

دو فصل نامه‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا
س ۹، ش ۱ (پیاپی ۱۸)، بهار و تابستان ۱۳۹۷

معرفی و تحلیل سبک‌شناختی انشای فیض‌رسان حفظ الله رامپوری

دکتر لیلا عدل‌پرور

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

دکتر مجتبی صفرعلیزاده

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

چکیده

موضوع مقاله معرفی و تحلیل سبک‌شناسی چاپ سنگی انشای فیض‌رسان حفظ الله رامپوری است. چاپ مذکور به شماره‌ی کتابشناسی ۲۸۳۱۷۶۹ در میان کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه ملی موجود است. نام نسخه‌ی منحصر به فرد این اثر در فهرست کتاب‌های چاپ فارسی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، فهرست کتاب‌های چاپ سنگی گنج بخش و فهرست نسخه‌های خطی فارسی احمد منزوی آمده است. این اثر به خط نستعلیق در صد و دو صفحه نوشته شده است و در مطبعه منشی نول کشور در لکنه‌و چاپ شده است. مؤلف حفظ الله رامپوری، نویسنده فارسی‌نویس شبه قاره و به درخواست سید قمر علی در چهار فیض، در قواعد نامه‌نگاری نوشت و آن را به نواب احمد علی اهدا کرد. در این مقاله سعی بر این است ضمن معرفی این اثر مختصات سبکی و بلاغی و لغوی آن اثر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حفظ‌الله، انشای فیض‌رسان، مختصات سبکی، بلاغی، لغوی

۱- مقدمه

دو ملت بزرگ ایران و شبه قاره هند از روزگاران کهن به علت اشتراکات زبانی و نژادی و همسانی تمدن در منطقه، دارای روابط فرهنگی و اجتماعی همه جانبه‌ای بوده‌اند. یکی از عناصر مهم این میراث گرانبها، زبان فارسی است که در میان مردم این منطقه جاری بوده و هزاران شاعر و نویسنده از آن جرعه‌ها برگرفته و کتاب‌ها و آثار فوق العاده مهمی پدید آوردند. (تفضلی، ۱۳۶۱: ۱۳۲)

شروع چاپ نخستین کتاب‌های فارسی در هند را باید در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم دانست. در طی قرن نوزدهم به تدریج بخش بزرگ این سرمایه اصلی و مهم میراث فرهنگی ایران در هند، یعنی کتاب‌های خطی از کتابخانه‌ها بیرون کشیده شد و به دو روش سری و سنگی طبع شد. (غروری، ۱۳۵۰: ۱) باید یادآور شد که بسیاری از آثار فارسی برای اولین مرتبه در همین چاپخانه‌ها چاپ و منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان گذاشته شده است. می‌توان گفت که تقریباً کلیه شاهکارهای کلاسیک ادبیات فارسی قبل از ایران در هندوستان به چاپ رسیده است و در جهان منتشر شده است. (معروفی، ۱۳۸۷: ۳۴)

یکی از چاپخانه‌های مهم هند مطبعه‌ی منشی نول کشور بوده است. در ایران شاید نام منشی نول کشور برای افراد اهل فرهنگ و تحقیق نام آشنایی باشد ولی مردم عادی ممکن است این شخصیت بزرگ را نشناسند. منشی نول کشور در شهر لکنهو (پایتخت ایالت اوتار پرداش در هند) چهار هزار نسخه کتاب به زبان‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان مختلف به چاپ رسانید که سهم کتاب‌های فارسی و فرهنگ تشیع در میان آنها بسیار قابل توجه بود. (نقوی، ۱۳۸۹: ۷۳) اهمیت کار نول کشور در این است که وی در عصری کار مهم نشر کتاب خود را آغاز کرد که کتاب‌های گران‌قیمت هند از هند خارج و به کتابخانه‌های انگلستان منتقل می‌شد. در عصر چاپ سنگی وی در پی جویی نویسندگان و خطاطان خوب بود که بتواند کتاب‌های فارسی را با خط خوب بنویسند و نیز در صدد یافتن نسخ خطی نایاب و مهم برآمد و تا حدودی نیز در این برنامه‌ها موفق شد. (غروری، ۱۳۵۰: ۹) یکی از آثار چاپ سنگی مطبعه منشی نول کشور «انشای فیض رسان حفظ الله رامپوری» است. درباره مؤلف اطلاعات زیادی در دست نیست. در فرهنگ سخنوران و دایره المعارف به این اختصار شده است که «حفظ الله رامپوری، محمد فرزند محمد معین، ز ۱۲۳۶ ق، نویسنده فارسی نویس شبه قاره. وی به درخواست سید قمر علی در ۱۲۳۶ ق ۱۸۲۰/ م کتابی به نام انشای فیض رسان/ حفظ القوانين در قواعد نامه نگاری نوشت و آن را به نواب احمد علی اهدا کرد.» (انوشه، ۱۳۵۷: ۱۰۰۱)

در زمانی که مردم جهان با جنگ، بیماری و فقر دست و پنجه نرم می کردند در قصه کوچک معروف به رامپور، در هند حکومتی ظهور کرد که با تمام فراز و نشیب هایش خدمات بزرگی به جهان اسلام انجام داد. نوابان شیعه رامپور چهره های علم دوست و صاحب فضل و کمال بوده اند و در هنگامه ی زوال حکومت تیموریان دهلی و تسلط بریتانیا بر هند، رامپور را در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری به یکی از مراکز مهم علمی و ادبی هند تبدیل کردند؛ در نتیجه گروه زیادی از علما، فقها، و هنرمندان دربار دهلی به رامپور روی آوردند. (مسرور، ۱۳۹۰: ۳۶)

این اثر در چهار فیض تدوین شده است:

فیض اول: نثری که به خدمت بزرگان تحریر پذیرد.

فیض دوم: خطوطی که به همسران پیرایه تسطیر گیرد.

فیض سوم: مکتوباتی که در خور خردان باشد.

فیض چهارم: عبارتی که به طور قبالات شرعی و معاملات و به صورت حال و تمسک و غیره صورت ترقیم یابد.

مؤلف درباره سبب تألیف کتاب می نویسد: «بنده ی حفظ الله شکستگی قلم شکسته رقم را به مومیائی تعریف عالی جاهی درستی می دهد و به تقریر سیادت پناهی بار منت بر گردن سعادت می نهد یعنی تحریر این چند سطور سهل العبارت به اشارت وافر البشارت قره العین آل رسول ... جناب سید قمر علی است سلمه الله تعالی بالکرم... ان شاء الله تعالی چنانچه حقیر کثیر التقصیر تاریخ بر کتابه تحریر در آورده...» (ص ۳۰۲)

مؤلف در آغاز کتاب خویش مقدمه کوتاهی در باره ی اقسام کلام منثور (مرجز، مسجع، عاری) مطرح کرده است:

ذکر مسجع: سجع بالفتح در لغت آواز کبوتر و قمری و شتر و سخن با قافیه گفتن و در اصطلاح عبارت نویسان عبارت است از برابر بودن دو حروف اواخر فقرتین مثل آوازهای مذکوره این قسم منقسم به سه قسم است (ص ۵)

سپس در متن اصلی عبارات و ترکیبات ذکر شده که در مناسبات های مختلف برای اشخاصی که در مشاغل و مراتب متفاوت اند مورد استفاده قرار می گیرد:

به عنوان مثال عناوینی و القابی که مناسب امرا است:

صاحب والا مناقب عالی قدر والا پایه عالی مناصب مجسم لطائف اخلاق یا شرائف اشفاق

متمکن وساده لطائف الطاف بیرون از بیان مزین... (ص ۷)

مبارک باد تولد و غیره:

در این روز فیروز دولت یا مسرت اندوز نشاط افروز مصیبت سوز فرحت آموز یا ایام

فرخی انجام فرخنده فرجام و هنگام سراپا آرام میمنت التیام ... (ص ۲۱)
 به مقلم: قابلیت پناه کمالات دستگاه مجموعه قابلیت استعداد نسخه‌ی کامله اهلیت
 مجمع کمالات دانش مآب و دانایی اکتساب مجمع هنر پروری مظهر دانشوری سلمه الله
 القیوم. (ص ۸۱)

برای حکیم: حکمت پناه خلافت دستگاه یا حکمت و فطانت مآب دانش و خذاقت
 اکتساب جالینوس زمان بوعلی دوران سلمه الله القدیم الحکیم. (ص ۸۱)
 در فصل آخر عباراتی که در قبالات شرعی و معاملات ملکی به کار می رود:
 تصدیق: بنده مظلوم فلان بن فلان قوم فلان سوال می کند و استشهاد به حق خود
 می‌خواهد که فلان کس بی حساب بر یک قطعه باغ ملکی موروثی واقع سواد قبضه‌ی فلان
 از زور و تعدی متصرف شده و فلان برادر منمقر را به جان کشته و قاصد بنده گشته ناچار
 از آنجا گریخته جان به سلامت بردیم. (ص ۹۰)
 و در پایان خلافت نامه مشائخان و نسب نامه آمده است. حاشیه‌ی نسخه از نوع لغوی،
 ادبی، تفسیری است.

در منابع زیر به نسخه نادر انشای فیض رسان اشاره شده است.
 فهرست کتاب‌های چاپ فارسی (۱: ۳۷۰) فهرست کتاب‌های چاپ سنگی گنج بخش،
 (ج ۱: ۵۳۸) فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب (۱: ۵۳۸) فهرست مشترک
 نسخه‌های خطی فارسی پاکستان (۵: ۴۰۴) فهرست نسخه‌های خطی فارسی احمد
 منزوی، ج، (۳: ۲۰۸۵) الذریعه (۲: ۳۹۳) دانشنامه ادب فارسی بخش دوم (۴: ۱۰۰۱)

۲- بحث و بررسی

۲-۱- معرفی نسخه:

مشخصات ظاهری اثر:

این کتاب به چاپ سنگی رسیده است. چاپ سنگی این اثر دارای صفحه عنوان، تهذیب
 و صفحه بندی است. صفحات جدول بندی شده و دو قسمت متن و حاشیه کاملاً از هم
 مجزا هستند که هر دو به خط خوانای نستعلیق و به رنگ مشکی نگاشته شده است، حاشیه
 در تمامی اوراق، سمت چپ صفحه نوشته شده است. شماره‌ی صفحات در بالای هر صفحه
 نوشته شده و در هر صفحه ۲۲ سطر گنجانده شده است. اکثر صفحات نسخه دارای لکه
 رطوبت می باشد. قسمت شیرازه برگ دارای علامت صحافی (جای دوخت در شیرازه) می
 باشد. قطع کتاب رقعی و جلد کتاب مقوایی است.

این کتاب در مطبعه‌ی منشی نولکشور، در تاریخ ۱۸۷۶م - ۱۲۹۳ق به چاپ رسیده

است. نسخه‌ی مذکوره‌ی از آسیب و آفت پوسیدگی و موریانه زدگی در امان نمانده است. تعلیقات انشای فیض‌رسان به همت محمد روشن در ۹۲ صفحه در تاریخ ۱۲۹۳ به چاپ سنگی رسیده است.

این کتاب آموزش نامه نگاری و انشانویسی است.

پیشینه‌ی انشانویسی:

انشا واژه عربی است به معنی آغاز کردن، آفریدن، از خود چیزی گفتن، ایجاد، هم چنین سخن پردازی، سخن آفرینی، نویسندگی، شاعری، تألیف عبارات. (دهخدا)

در مفاتیح العلوم، انشا به معنی اسناد درباری توصیف شده است، که رئیس دفتر پس از مطالعه آوردن ترامیم لازم آن را به شکل نهایی در می آورد. پاره‌ای دیگر از سخن شناسان «انشا را فنّ ترسل گفته‌اند.» (هاشمی، ۱۳۷۵: ۱۷۶)

انشا در اصطلاح ادبی یکی از فنون ادب و گونه‌ای ادای سخن است که نویسنده تلاش می‌کند با زبانی فصیح و بلیغ، اندیشه‌ها و گفته‌های خود را بیان کرده، آن را به دیگران القا کند. (رادفر، ۱۳۸۲: ۵۲)

فنّ دبیری و انشای رسائل دیوانی در ادبیات ایران پس از اسلام، خود به صورت رشته‌ای مخصوص از فنون

سابقه‌ی نامه‌نگاری در ایران به دوره‌ی هخامنشیان بر می‌گردد و در آن زمان واژه‌ها را با خط میخی بر روی پوست دباغی شده‌ی جانوران می‌نوشتند و سپس آن پوست را به دست چاپار می‌دادند تا به مقصد برساند. (امینی، ۱۳۷۹: ۴۳)

قدیمی‌ترین اثری که به زبان پهلوی در فنّ ترسل به دست آمده است رساله‌ی کوچک آیین نامه نویسی است. (صاحبی، ۱۲۸۸: ۵۳)

گردآوری و تدوین منشآت و مکاتیب فارسی از دوران غزنویان با بیهقی آغاز شد. اما اولین مجموعه از نامه به زبان فارسی که از سیل حوادث در امان مانده مکاتیب ابو حامد محمد غزالی با عنوان فضائل الانام من رسائل صحه الاسلام است که به وسیله‌ی یکی از نزدیکانش گردآوری شد.

از آغاز نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره‌ی هند، از زمان محمود غزنوی به بعد موضوعاتی چون لغت و فرهنگ، دستور، تاریخ تذکره و انشانویسی توسعه روز افزون یافت. (رادفر، ۱۳۸۲: ۵۴)

آثاری که در زمینه‌ی انشا نویسی در هند اکنون در دسترس اند، به تقلید از رسائل الاعجاز امیر خسرو دهلوی نوشته شده است. امیر خسرو برای زیبایی کلام و عمق بخشیدن به آن، از عبارات و ترکیبات خود ساخت و آرایه‌های ادبی بی‌شمار و شواهد شعری بهره

جسته است؛ این اسلوب امیر خسرو، در نثر نویسی شبه قاره‌ی هند مورد استقبال و پیروی قرار گرفته است. مؤلفان کتب انشای فیض رسان، انشای دُرّهی غلطان، انشای دل آویز، انشای سفیر بلبل، انشای ماده‌ورام، انشای دستورالصبيان و... از شیوه‌ی مذکور بهره برده اند. (نریزقول مصباح زاده، ۱۳۹۰: ۶)

سبک نثر انشاهای بویژه در دوره‌ی تیموریان متأخر، نثری منبشانه، همراه با سجع، ترصیع، تشبیهات، کنایات و استعارات گوناگون و جالب نظر است و گاهی برای زیبایی عبارت از صنایع لفظی و معنوی و مترادفات نیز استفاده شده و در بیشتر موارد، کلام منظوم برای تأکید مطلب و آرایش عبارت آمده است. (هاشمی، ۱۳۷۵: ۱۸۱)

سخن‌شناسان تقسیم بندهایی گوناگون از انشا به دست داده اند که مهم‌ترین گونه‌های آن عبارتند از: «منشآت، مکتوبات، رقعات، مراسلات اداری، و قضایی و انشای لطیف، یا اگر بخواهیم به عناوین زمینه‌ها به طور گسترده‌تر اشاره کنیم علاوه بر موارد بالا مناظرات، تمثیلات، توصیفات، مقالات، روایات و حکایات، تاریخ نامه‌ها و مقالات نیز می‌شود». (رادفر، ۱۳۸۲: ۵۴)

رسائل و مکاتیب باقی مانده از ادوار گوناگون از جهات مختلف حائز اهمیت و در خور مطالعه و تحقیق هستند و پرداختن به آنها در حیطه‌ی تحقیقات تاریخی و پژوهشهای ادبی و جز آن ضروری می‌نماید. با مطالعه دقیق آنها می‌توان به نکات و دقایق دستوری، لغوی، چگونگی استعمال صنایع ادبی و سایر ویژگی‌های سبک‌شناسی دست یافت. (مردانی، ۱۳۷۷: ۳۷)

در این مقاله سعی بر این است ضمن معرفی انشای فیض رسان، مختصات سبکی و بلاغی و لغوی آن نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

آغاز: بسمله... خوش‌رقمی نظم برقم ثناسی صاحب قلمیست که قلمرو مخلوقات بوقلمون یکقلم نیم نقطه ایست از قلم قدرت او و ...

انجام: در ینولا پدرش سر رشته‌ی روزگار نواب وزیر الاعظم میدارد و به عهد سرافراز است هر جا که خواهند تحقیق نمایند.

۲-۲- رسم الخط متن:

۱- حرف اضافه «به» بصورت پیوسته

بمومیائی تعریف عالیجاهی درستی میدهد و بتقریر سیادت پناهی بار منت بر گردن سعادت مینهد (۳)

۲- برای جدا کردن مصراع‌های شعر از علامت + استفاده شد



پیش رفتی نظم بر تنهای صاحبیت که مقرر و مخلوقات تو چون گنجینه نظم فیه است از نظم قدرت او و
 تسلط الهی و بان بجز تو نیست و غیر تو نیست که ملوک و ملوک الذلیل از ملوک و ملوک جزو کل حرف و جود نیست
 و با ملک است و خوشنویسی که قطعه بر بیان سرشت خبر از غیاب و غیاب فرمود و نظم کشی که ورق و کش کشا و تقیبه
 هر چه رو کشید و پادشاهان داری از نشان نمود نظم بر بیان سرشتان آسمان و در عالم کشید از کشان
 و در نگین طبع مع انتخاب و فقه بروی شربت که در از آفتاب و فقه گلستان از نظم سار خط بر بیان و خط
 ظاهر بر تو در آورده و تجرید عین بدستان از بیای سید بهار سنبل و بر بیان و سرسری شقائق و نعمان مدام
 و شانی و شنگ و شکر حرف کرده شکسته سطر زلف الف قاشان مجید و بان بخوش نگاری غامض
 فقه ازین کسری شین و مار و درستی و کجی و صفا و بروی نون ابروان صاف و شرم زیب و دست نویسی اش
 شرف با جیت لطیف رشتی نظم کاف و نون که کد کومین پید اید که هر چند بیاید و پدید چه تو می شیش عقل
 و هم و درست و تقریر لغت از ان دل و راه و دست و نظم هر چند از قاف کوه و نگر سر کرده و هزاران لعل علی
 و جواهر نگین معانی و مضامین از کان و تجرید بر آورده و فاعل لعل که گوش و گردن و عروس لغت و تو نیم دریا
 رسالت و لایش توان و دایره اندازد و دست و دایره پدید آمدت افشا و دو و در کتب چند که هر یک
 شد و رسک با هر قدر نخواسته و قدم فرسای صحرای فرات گشت لاکن و در این دنیا کای پیدای
 و در هر خونی زانی نثار و چون ملک و بر سر ملک و داور و در صد و دنیا نظم و پادشاهان زبان را بجز

نظم ز کاف و نون کند کونین پیدا + کند هر چیز ناپیدا هویدا + چو توحیدش عقل و فهم (۲)

دورست + به قرب نعت ازان دل را مرورست

۳- متن فاقد علائم نشانه گذاری و جملات اغلب بدون نقطه است.

۴- می استمرار اغلب بصورت پیوسته و گاهی جدا نوشته شده است:

یا مکشوف رای زرین میگرداند مینماید میسازد میدارد یا گردانیده‌ی نموده کرده ساخته داشته می آید یا مظهر یا کاشف یا مبین حال یا عارض احوال نیاز اشتمال فدویت مآل است یا میشود یا میگردد. (۸)

۵- فعل ربطی است با کلمه قبل به صورت پیوسته آمده

خوش رقمی قلم به رقم ثنای صاحب قلمیست که قلمرو مخلوقات بوقلمونی که قلم نیم نقطه ایست از قلم قدرت او و رطب السانی دهان به تقریر توصیف دفتر آرائی ست. (۲)

۶- به جای کلمه بعد عبارت پستر آمده

چون دانستی که عبارت سه قسم است مرجز و مسجع و عاری پستر بدانکه این هر سه قسم به اقسام ثلاثه انقسام یافته (۶)

۷- طپیده به جای تپیده

دل ناتوان مجروح ناوک نگاه مقتول خنجر چشم سیاه جفاکش فرهاد وش به خاک و خون طپیده بلا کشیده (۷۱)

۸- آوردن کاف به صورت گاف

یا همایون گلبانگ شگفتگی مزاح و هاج سراپا ابتهاج عنایت امتزاج (ص ۹)

یا افگند یا نور صدور به جلوه ظهور آورد (ص ۱۲)

یا به شکل شکوفه شگفته سرا پا خونم و کمال غمگین بسیار محزونم هوش درسر نماند (ص ۱۶)

۹- آوردن ضمه به صورت واو

فیض سوم: مکتوباتی که در خور خوردان باشد. (ص ۵)

هر ادنی و اعلی یا همه وضع و شریف یا جمیع خورد و کلان یا بزرگ و کوچک (ص ۱۵)

یا شادی نسبت یا هنگنی و غیره فلان خورسند فرما گردید (ص ۲۱)

۱۰- آوردن چ به صورت ج

صدور یا فاتحه کتاب ایراد یا دیباجه نسخه وصول یا غره ناصیه نزول (ص ۱۱)

۱۱- حذف کردن ه بیان حرکت در هنگام اتصال به های جمع

یا به صدور گرامی نامجات دافع پریشانی و رافع نگرانی نگشتند (ص ۲۲)

چها غم که به خاطر نرسانید و کدام الم که در دل راه نیافت. (ص ۱۵)

۱۲- ن نفی گاهی به صورت منفصل آمده

و غیره مزاحم و مُتعرض نشوند و هر سال سند مجدّد نه طلبند (ص ۸۴)

۱۳- سه صد به جای سیصد

فلان به مقابله پنج هزار سه صد و شصت روپیه جمع سال تمام به جمیع وجوه من.

(ص ۸۴)

آنکه مبلغ سه صد روپیه بابت پائی دوم فصل خریف سنه فلان. (ص ۸۵)

۱۴- کلمه باجود به جای به اوجب

و قدر بخشی دائمی را به وجود باجود متعلّق یا تعلّق پذیر دارد. (ص ۴۳)

۱۵- استفاده از « ط » روی برخی حروف: احتمالاً حرف ط به جای گیومه باشد.

برای تدبیرط هیأت عرض داشت. (ص ۵۱)

اگر احیاناً ما بین فصل معزول شوم هندویط حسب الخرج مجرا یابم... به صورت طتپه‌ی

مرقوم شد. (ص ۸۴)

و پروانه اجرای زردطگری ها جاری خواهد گردید. (ص ۸۷)

مبلغ یک صد روپیه بابت هندطوی مرسله فلان (ص ۸۸)

۱۶- استعمال مصدر جعلی

هم قرین خیریت و قرین عافیت یا قران خرسندی یا مقارن تندرستی یا موصول خیر

(ص ۹)

خاطر فدویت جویای دل عبودیت خو یا قلب عقیدت مملو. (ص ۱۴)

یا در محل قبولیت بارباب یا به پیشگاه پذیرائی شرف یاب یا گنجایش... (ص ۴۲)

۲-۳- ویژگی های لغوی:

۱- در حاشیه علاوه بر معنی لغات، ضبط لغات به دو صورت است:

الف: مشخص کردن حروف صامت و مصوت

سویت به فتح سین مهمله و کسر واو و تشدید تحتانی مفتوح به معنی برابری (ص ۲۲)

ب: آوردن کلمه هم وزن

مرفوع: بر وزن مفعول به معنی نزدیک شده (ص ۸)

سراج: بر وزن چراغ و مصباح و معراج به معنی چراغ (ص ۱۱)

مطر مطیر به فتح میمین و طای مهمله اول و کسر طای مهمله ثانی به معنی باران

بارنده (ص ۳۲)

۲- توضیح در مورد کلماتی که استعمال آنها به نظر مؤلف صحیح نیست.

اشفقه: این لفظ محض غلط است چرا که مؤنث اشفق بر این نمی آید. (ص ۷)
 بر خورداری: این لفظ خلاف محاوره فارسیان است چرا که یای تحتانی در عربی یا فارسی علامت تأنیث
 نیامده شاید که مصنف جایی دیده باشد و اگر این یا را به معنی من قرار دهند اضافه
 آن بسوی فلان روا
 نباشد. (ص ۲۱)
 مع: در اصل مع باشد و لفظ عربی است و زیادتیی ها در آخر شاید که از تصرفات فارسیان
 باشد والا غلط
 است. (ص ۹)

۳- استعمال لغات هندی و رومی و ترکی
 بر لفظ صاحبه از عمه و خاله و ممانی و همشیره و خیازنه یعنی سالی و ایدره صاحبه
 یعنی چچی و ینگه صاحبه یعنی بهابهی و خوش دامن صاحبه و صامن صاحبه یعنی
 سمدهن و غیره. (ص ۷)
 ینگه: به معنی زن برادر و این لفظ ترکی است (ص ۷)
 ساجق: لفظ ترکی است به معنی آرایش شادی (ص ۹۱)
 کورنشات: ج کورنش که لفظ ترکی است هر چند که این جمع خلاف قاعده است لیکن
 معلوم نیست که

نویسندگان به کدام وجه بنویسند. (ص ۳۸)
 سرکار: به اصطلاح اهل دفاتر هندوستان معموره را گویند که جامع پر گنه بود (ص ۷۱)
 مأمون: برادر مادر، هندی است لیکن خلاف طریق اهل زبان فارسی است. (ص ۵)
 سَجَنَجَل: این لفظ رومی است در کلام عرب به معنی آیینی یافته شده است. (ص ۱۰)
 به القاب والده و خیاز نه را به القاب همشیره و خسر پوره و هم زلف را به القاب خرد و
 بزرگ و سدهن
 را به القاب بهابهی صاحبه باید نگاشت و بعضی سمدهن صاحبه را ساس صاحبه بنویسند.
 (ص ۳۵)

۴- لغات با تلفظ متفاوت
 واژون: کج و سرنگون (ص ۷۰)
 از دست داده‌ی تاب و سکون سرگشته بخت واژون. (همان)
 یا غایت فکرمندی و کمال پریشانی و نهایت نگرانی رو نماست (ص ۷۷)
 خاوند: خداوند (ص ۶۶)

پازهر: اصل آن پادزهر بوده به سکون واو یعنی شوینده زهر چه پاد به معنی شستن، اد به سبب کثرت

استعمال حذف شده (ص ۳۶)

زنی در این امور محض راتگان و صرف ضائع و مطلق بر باد و قطعی بی فایده و یقینی لا حاصل (ص ۲۸)

یا در محلّ تدریس عبودیت یا درس خانۀ یا به درسگاه حسن ادب (ص ۵۱)
۵- کلمات با املا نادرست

کلمه گزارش در اغلب موارد به صورت «ذ» آمده است.

زیاده چه عرض نماید چه گذارش نماید چه تصدیع دهد (ص ۳۰)

و اگر بیان در صدد گزارش گردد اظهار اندکی از این حال محال است. (ص ۱۵)

تعالی صبح و مسا مسئول یا مأمول یا به استدعا (ص ۱۰)

فرقت یا سرگذشت مفارقت یا روداد هجران یا واقعات هجرت یا ... غایت ندارد. (ص ۵۶)
تصفیه به جای تسویه به کار برده شده است:

نحوی که شیخ امیر الله که حکم و منصف طرفین اند به تصفیه رسانند. (ص ۹۴)

۶- لغات نادر و نامأنوس

مؤلف در متن از برخی لغات استفاده کرده که معنی آنها نامفهوم است و معنی آنها یافت نشد.

یا گام فرسای صحرای فنا خواهد شد یا ریگرا منزل عدم خواهد شد (ص ۱۵)

یا شادی نسبت یا هنگنی و غیره فلان خرسند فرما گردید. (ص ۲۲)

در قوم الهنود چنین مروج است بهاکر صاحب مشفق بهکر این صاحبۀ مشفقۀ شفیقه...

(ص ۶۸)

چو دهریان و قانون گویان و امین کروری و مروه در آنجا رفته اراضی (ص ۸۳)

چون تعلقۀ فلان را ده ساله ط تهیکه و اجاره گرفته بودم (ص ۸۵)

به موجب فرامین و پروانه جات ناظران ملک کئهر ودیگر اسناد حکام محال (ص ۹۶)

۲-۴- ارزش ادبی:

۱- آوردن انواع سجع:

سجع متوازن:

بندگان راسخ الاعتقاد واثق الانقیاد صادق الارادت (ص ۳۵)

...یا زینت ترقیم یا سعادت تسطیر (ص ۲۵)

سجع مطرف:

- خلاصه‌ی خاندان مصطفوی خاصه‌ی دودمان مرتضوی . (ص ۳)
- مخزن عنایات سرچشمه‌ی تفقدات کافی توجّهات. (ص ۲۲)
- سجع متوازی: کاربرد سجع متوازی بیشتر از سجع متوازی و مطّرف است.
- مخزن آلاf الطاف معدن اصناف اوصاف سرچشمه‌ الوف اعطاف مظهر صنوف انصاف
- منبع تلطفات بیکران
- مجمع التفات فراوان (ص ۷)
- ۲- انواع جناس:
- جناس ناقص:
- قلم کشی که ورق دلکش گشاده تقطیع به مهر مهره کشید. (ص ۲)
- جناس زاید:
- و شنگرف شگرف صرف کرده شکستگی زلف الف قامتان میم دهان به خوش نگاری.
- (ص ۲۹)
- بت پرستان خسیس را به نفس نفیس خود شکست داده (ص ۴)
- یا شایان شان فدویان عقیدت نشان... یا عادت عبادت منشان ارادت نشان ... دم ثابت
- قدم عقیدت همدم اطاعت
- همقدم (ص ۳۵)
- جناس مضارع:
- چند سطور سهل العبارت به اشارت وافرالبشارت پناهی بار منت بر گردن سعادت می
- نهد. (ص ۳)
- خاطر عاطر ظاهر باهر یا واضح و لایح یا روشن یا مبرهن می گرداند. (ص ۸)
- یا تبارک ذات مبارک را بر تارک ما نیازمندان... (ص ۲۴)
- جناس لفظ:
- هزاران علم درد و الم یا رنج و غم یا درد (ص ۱۵)
- جناس اشتقاق:
- سلالة سلسله اصالت علالة اعالی سیادت نهال آبسال بسالت باسل عرصه شجاعت .
- (ص ۳)
- بر ضمیر انور یا صافی یا صفا گزین صفاء صفات یا اصفی از یقینیات یا مصفاّتر از مرآت
- (ص ۸)
- جناس مطّرف:
- ماند غلام درباری دربار دربارش اقبال نموده (ص ۴)

یا واسطهٔ انجام مرام یا مرادات مراد خواهان (ص ۴۲)
- جناس خط:

قاتل جفا قابل و فاغره‌ی ناصیه نصف (ص ۳)
سیّاح بیدای عدم و سبّاح قلزم قدم. (ص ۱۸)
عنوان کرامت بنیان هدایت تبیان (ص ۴۹)
۳- استعاره:

لعلی که گوش و گردن عروس نعت دُرّ یتیم دریای رسالت را آرایش توان داد. (ص ۲)
خار تحیر و تألم و تحسّر دامن جمعیت پاره کرد (ص ۱۴)
پنجهٔ غم گریبان صبر درید خار مصیبت و اندوه سینهٔ شکیبایی خراشید (ص ۱۶)
۴- کنایه:

یا کاشانهٔ جنان یا روح یا کاخ روح یا قصر یا مقصوره‌ی روان منور (ص ۲۲)
مقصوره کنایه از قصر و کاخ
تازه ساز گلستان موجودات آن نهال آبسال بختمندی... (ص ۲۳)
نهال کنایه از سرسبز

یا شکفته جبینی و تر دماغی... یکرنگان را دسته دسته شکفته دلی به دست آمد... باغ
باغ گردانید یا گل گل شکفانید. (۶۳-۶۴)
تر دماغ: کنایه از سر خوش و خوشحال و مست، دسته دسته: کنایه از بسیار و کثیر باشد،
باغ باغ: کنایه از شکفته
۵- تشبیهات:

مرغ روح از آشیانه‌ی تن پرید. (ص ۱۵)
طوطی روح از قفس عنصری پرید و از کشاده بر شاخ طوبی آشیانه گزید. (ص ۱۸)
۶- تشبیه تفضیل:

شیران پیلتن ستم پیشه پیش زبر دستیش زیر دست روباه و گردان کرگدن بدن جور
اندیشه به اندیشه عدالتش از دست بی قوتان روباه از صیت صولتش شیر شرزه به رنگ روباه
مصروف لرزه... (ص ۴)

۷- تشبیه بلیغ

و فر نواب سپهر جناب هلال رکاب آفتاب چهر مشتری مهر انجم حشم بهرام علم کیوان
ایوان فلک توان ... (ص ۳)
سنان آه بر سینهٔ نیاز دفينه کارگر گردیده نیزهٔ ناله سر به فلک کشید تیر الم و خدنگ
غم جگر درید. (ص ۱۵)

فلان را مینای یا شیشه زیست به سنگ ممات در آمد یا شکست. (ص ۱۹)

۸- تشبیهات با حروف:

سرخی شقایق و نعمان مداد پر روشنائی و شنگرف شگرف صرف کرده شکستگی سطر
زلف الف قامتان میم دهان بخوش نگاری خامه‌ی قدرتش نقطه‌ آئین کرسی نشین دایره
درستی و کجی مصرعه ابروی نون ابروان صاد چشم به زیب درست نویسی اش شرفیاب
حج بیت العتیق راستی (ص ۲)

۹- واج آرای حروف:

یا کریمه قویمه یا جسیمه یا فخیمه یا مستقیمه یا قدیمه یا سحیه رضیه یا مرضیه یا
بهیه یا علیه رفیعہ منیعہ قویہ عبودیت کیشان است. (ص ۳۶)
من مشفق مخلص مخلص شفیق شفیق بالتحقیق خلیق با تصدیق محب لئیق رفیق
طریق محبت شافی رحیق مودت مصروف حال مخلصان مشفق شفیق مخلص خلیق
(ص ۵۳)

۱۰- ترصیع:

واقف حقایق شرافت کاشف دقایق عفاف که نام نامیش در پرده عصمت معلوم و اسم
سامی در حجره عفت مفهوم است. (ص ۳۴)
مظهر رحمت اللمی مصدر کرامت نامتناهی ...فهرست جریده تجرید عنوان صحیفه
تفرید (ص ۴۶)

۱۱- تنسیق الصفات:

مستجمع جمیع عنصر عطوفت مظهر نوازش گستر شفقت پیکر عنایت جوهر هدایت
اثر نیافته ... (ص ۲۳)
سموالمکان عظیم الشان عمیم الانعام قدیم الاکرام وسیع الاحستن کریم الامتنان
(ص ۷)

۱۲- تابع اضافات:

غزال آهوئی مشکین موی دشت نکویی محبوب گل روی سنبل گیسوی گلستان شکفته
رویی (ص ۷۰)

زخم انداز الم افزا یا قضیه نامرضیه رویه دنیه یا قصه پر غصه فجیعت. (ص ۱۴)

۱۳- استفاده از نمادهای ملی مذهبی اساطیری:

مؤلف به خاطر آشنایی با علوم و معارف اسلامی با استفاده از صنعت تمثیل و تلمیح
هنرمندانه به اسطوره های ملی، مذهبی اشاره کرده است.
یا به روشنی انقیاد متور یا روشن یا محسود نخل وادی ایمن می سازد. (ص ۳۸)

یا عمرنوح از کجا آید و حیات خضر از کدام جا جلوه نماید. (ص ۵۶)
 مویان مرید سلسله‌ی گیسو شهید ابرو کوهکن بیستون جنون دشت جنون عشق
 مجنون نسیم بوستان... ناله‌ی پر آفت سمندر بخت قیس حسب فرهاد نسب دیوانه مشرب
 پروانه نهاد. (ص ۷۱)

والا تمییز عزیز مصر عالی تمیزی یوسف کنعان دلبندی و عزیزی مظهر افعال (ص ۷۲)
 کسوت مودّت نجم الثاقب سپهر اخلاص خیر الکواکب فلک اختصاص کوکب دلفروز
 آسمان اتحاد خسرو شیرین ادای مهر و وفا محقق (ص ۵۳)

۱۴- ایهام تناسب

و از سبب قوتش رستم به آن قوت و تاب مانند زال در زلزله و اضطراب. (ص ۴)
 زال به معنی پیر زن ایهام تناسب دارد با زال پدر بزرگ رستم.
 عطایش دفتر حاتم کند طی
 طی کردن: در هم پیچیدن و ایهام تناسب دارد به قبیلۀ حاتم طائی.
 ۲-۵- ویژگی‌های سبکی و زبانی:
 ۱- صفات مرکب:

محبّ العلماء ملاذ الغربا ملجا الصلحا... (ص ۳۳)
 اشرف الاحبا اشرف الاخلا مجد الاحباب اکمل الاصدقا افضل المخلصین احسن
 المحسنین طراوت (ص ۵۴)

۲- مطابقت صفت و موصوف:

صاحبه مرتبه شفقت مظهر مکرمه کرم گستر کریمان قدر افزای نیازمندان معظمه
 مفاخرت بخش (ص ۳۴)
 مخدومه مربیه عالیه شفقت فرمای تلمیذان یا ملانی صاحبه معظمه مکرمه دام شفقتها
 یا مد ظلّها. (ص ۴۶)

صاحبه‌ی مشفقۀ مهربان شفیقۀ الطاف طریقه مظهر مهربانی یا فراوان زیب خانۀ عفت
 (ص ۶۶)

۳- عدم مطابقت فعل و فاعل:

و اهل هند که چچی صاحبه و بها بهی صاحبه می نویسند مضائقه ندارد. (ص ۳۴)
 ۴- بهره گیری از احادیث و عبارات عربی:
 و این مرض را بهتر از شکیبائی و صبر و درمان نه به موجب آیۀ کریمۀ کُلُّ مَنْ عَلَیْهَا
 فان. (ص ۱۴)

یا گام پیمای مقام فنا خواهد شد که کُلُّ شَیْءٍ یَرْجِعُ الی أَصْلِهِ واقع است. (ص ۱۵)

۵- کثرت استعمال واژگان و ترکیب‌های عربی:
 مسا یا لیل و نهار یا بالعشی و الاشراق یا بالمسا و الابرار یا پنج وقت یا خمس الوقات
 یا بُکره و اَصیل (ص ۹)
 یا جواهر زواهر ما فی الضمیر الانور یا دُرر غُرر ما فی الجنان المتور که حوالی زبان قلم
 یا امانت لسان
 قلم (ص ۱۴)
 چون فلان را متوجّه الی الله و تارک ما سوی الله و مستغرق به شوق لقاءالله یافتیم.
 (ص ۱۰۲)

۶- تکرار کلمات:
 گشت یا گلدسته محفل صدور یا تاج فرق وصول یا افسر سر وصول یا عنوان صحیفه
 صدور یا فاتحه کتاب ایراد یا دیباچه نسخه وصول یا غره ناصیه نزول یا قره باصره صدور یا
 مردمک دیده وصول یا مهر سپهر صدور یا ماه فلک وصول یا جان جسم وصول یا... وصول
 یا سرو جویبار اصدار راحت سینه صدور یا قرار خاطر وصول یا قوت بازوی وصول یا تمیمه
 بازوی وصول یا تعویذ بازوی ورود یا حمائل گلوی وصول یا مراسله پیرا یازیور گردن وصل
 یا سرور قلب وصول گردید. (ص ۱۱)

۷- حذف فعل با قرینه و بدون قرینه:
 نام گرامیش چاشنی بخش دل یا اسم منورش نور افزای خانه قلبی است. (ص ۳۴)
 با یکدیگر مستحسن انگاشته و تکرار ادوات مکروه پنداشته. (ص ۶)
 ۸- کاربرد خاص افعال:
 به حسن سلوک راضی و شاکر داشته چین و تردّد می کنانیده باشند. (ص ۸۳)
 این چنده به صورت سفارش نامه است و اگر خود نویسد به این طور نویسانیده بدهد.
 (ص ۸۶)

و نام وصول کننده به اعتماد پرچه رسید نمی نویسانند. (ص ۸۸)
 از سر کار یی رهانیده یا خلاص کنانیده آوردم لهذا اقرار می سازم. (ص ۹۱)
 یا خود را به یاد داده یا دهانیده ام یا فلان چیز را بنا بر یاد بود (ص ۶۵)
 ۹- فعل دعا:
 پایه پذیر حسن عزّت دارد یا فرمایاد... یا جلوس فرمایی بخشاد یا عطا فرمایاد یا کرامت
 کند (ص ۴۲)

۱۰- آوردن تنوین‌های مکرر:
 یا موافق استصواب یا استصواباً یا صلاحاً یا مشورتاً یا مصلحتاً یا حکمتاً. (ص ۲۶)

۱۱- جمع‌های عربی: استفاده از جمع مونث و جمع مکسر
از توجّهات عالیات فرمود... نوازشات یا صرف عنایات یا تفقّدات یا تفضلات باطنی (ص ۴۰)
دعوات وافیات یا زاکیات یا کافیات یا کاملات حصول مأمول دینی (ص ۷۳)
۱۲- مادّه تاریخ:
در مقدمه برخی از وقایع از جمله؛ تاریخ تألیف انشای فیض رسان، تاریخ بنای مسجد
به حساب ابجد آمده است:

دیر و بت از دست مبارک شکست	مسجد دین ساخته آنجا بنا
گفت خرد مصرع تاریخ او	دیر شکن مسجد جنت نما
هاتف غیبی سن تاریخ او	گفت زهی سجده گه روح بخش
یعنی شده مسجدی بنا گفت خرد	تاریخ بنای اوست طاعت گه خلق

(ص ۴)

۱۳- جمع بستن ضمیر جمع:
مایان که ابراهیم خان و عبدالرحیم خان بارگیران برادری نسیم خان جمع داریم.
(ص ۹۰)
مایان که سعد الله ولد وجیه الدین و گل خان بن کبیر خان قصبهی فلان ایم. (ص ۹۶)

۳- نتیجه‌گیری

چاپ سنگی انشای فیض‌رسان تنها نسخه چاپی انشای حفظ الله رامپوری است که به خط نستعلیق در ۱۰۲ صفحه بیست و دو سطری، در چهار فیض نوشته شده است و در مطبعه منشی نولکشور در لکنه‌و به چاپ رسیده است. حاشیه و متن اثر به خط نستعلیق و به رنگ مشکی نگاشته شده است و حاشیه در تمام صفحات در سمت چپ آورده شده است. نام این اثر در فهرست نسخه‌های چاپ سنگی و فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان آمده است. آنچه از متن نسخه استنباط می‌شود وسعت اطلاعات و تسلط مؤلف بر آرایه‌های ادبی و علوم و معارف اسلامی و اساطیر ملی و مذهبی مشهود است. آرایه سجع، جناس و تکرار بیشتر از بقیه در متن استفاده شده است. برخی واژه‌های نادر آمده که امروز کاربرد ندارد. همچنین مؤلف از برخی واژه‌های هندی و رومی و ترکی استفاده کرده است. به نحو قابل ملاحظه‌ای از قواعد زبانی و ترکیب بندی واژگانی زبان عربی پیروی کرده است.

منابع

۱- امینی، کاظم. (۱۳۷۹). آیین نگارش مکاتبات اداری، چاپ یازدهم، تهران:

- انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۲- انوشه، حسن. (۱۳۵۷). **دانشنامه ادب فارسی**، بخش دوم، جلد چهارم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: سازمان چاپ و انتشارات.
- ۳- تفضلی، محمود. (۱۳۶۱). **کشف هند**، تهران: امیر کبیر.
- ۴- خیام پور، ع. (تاهباز). **فرهنگ سخنوران**، انتشارات طلائی: جلد اول.
- ۵- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). «انشانویسی فارسی در شبه قاره»، فصلنامه پژوهشهای ادبی، شماره ۱، ص ۵۱ تا ۶۴
- ۶- رامپوری حفظ الله. (۱۳۰۷). **انشای فیض رسان**، چاپ سنگی، کانپور: مطبع منشی نولکشور، ۱۰۲ ص
- ۷- صاحبی، محمد. (۱۳۸۸). «نگاهی به نامه نگاری در ادبیات فارسی و تأثیر آن بر فن ترسل فارسی»، کتاب ماه ادبیات، ش ۲۷، ص ۵۲-۵۷
- ۸- طاووسی مسرور، سعید. (۱۳۹۰). «نواآبان شیعه رامپور»، ماهنامه زمانه شماره ۱۴.
- ۹- غروری، مهدی. (۱۳۵۰). کتاب خطی فارسی، چاپ هند، بهنام، دوره ۹، ش ۱۰۲ و ۱۰۳، (فروردین و اردیبهشت ۵۰). ص ۲۶-۳۶.
- ۱۰- مردانی، فیروز. (۱۳۷۷). «ترسل و نامه نگاری در ادب فارسی»، کیهان فرهنگی، ش ۱۴، ص ۴۳-۴۷
- ۱۱- معروفی، علی. (۱۳۹۲) «پاسداران زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند»، وب سایت آفتاب (۱۳۸۷۹/۱۰/۲۲) قابل دسترس در:
- [www.aftabir.com/view/art culture/literature verse](http://www.aftabir.com/view/art%20culture/literature%20verse)
- ۱۲- نریزقول محمود زاده، مصباح الدین. (۱۳۹۱). «تأثیر اعجاز خسروی در ساختار و اسلوب نثر فارسی شبه قاره»، مجموعه مقالات همایش آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان.
- ۱۳- نقوی اسیف جاییسی، مصطفی حسین. (۱۳۸۹). **منشی نولکشور حیات و خدمات**، دهلی: مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۴- هاشمی، محمود. (۱۳۷۵). **تحول نثر فارسی در شبه قاره هند**، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۳۶- یوشیج، نیما. (۱۳۸۵). **حرف‌های همسایه، گردآوری سیروس طاهباز**، نسخه‌ی رایانه‌ای، چاپ اول، تهران: نگاه.